

فضای مجازی جای دیو و دلبر را عوض می کند

گستر دگی، تنوع اطلاعات ورودی، ناشناس بودن، دسترسی لحظهای به اطلاعات،از بین رفتن بعد زمان و مکان و ارتباط لحظهای و بی معنی شدن فاصله میان افراد و بسیاری از موضوعاتی از این دست از جمله ویژگی های فضای مجازی است؛ فضایی که گر چه صفت مجازی بودن را به دوش می کشد، اما امروز به وجه مهمی از زندگی واقعی انسان های این قرن تبدیل شده است. اتفاقاتی که در مجاز پیش می آید، روی زندگی واقعی افراد تأثیر گذاشته و بعضاً ممکن است روال عادی زندگی را به هم بزند.

فضای مجازی به طور عام و شبکه های اجتماعی به طور خاص، امروزه تبدیل به تأثیر گذارترین وجه زندگی اجتماعی افراد شده اند، به طوری که با باز گذاری یک پست در یکی از شبکه های اجتماعی شاهد جریان سازی، کنش ها و واکنش های مختلف اجتماعی، فرهنگی و حتی در سطح مقامات سیاسی جامعه هستیم. انتشار یک خبر، مصاحبه و حتی یک دردل در شبکه های اجتماعی می تواند به موضوعی حاشیه دار تبدیل شود و آن وقت است که تویتر و ... بالا می رود و حتی آن را به موضوع اول بحث های میان افراد تبدیل می کند.

نفس فعالیت نیروی انتظامی، مأموریت های بالقوه و بالفعل پلیس و اخبار و مصاحبه های فرماندهان نیز در دیسررس فعالان فضای مجازی است، به طوری که ممکن است با انتشار یک خبر، گفت و گو با یکی از رؤسای پلیس یا موضع گیری در خصوص مأموریتی که انجام یا به تاژی به پلیس محول شده است، شاهد موجی از هشتگ ها و واکنش ها علیه و یا له ناچا در شبکه های اجتماعی باشیم؛ پیشرفت فضای مجازی و شبکه های اجتماعی روزافزون است، شاید تا همین چند سال پیش نهایت پیشرفت، انتشار پلوتوث بود که تازه اگر تلغن همراه این ویژگی را داشت می توانستیم تبدیل به یک انتشار دهنده اتفاقات شویم و خود را به روز نشان دهیم، اما امروز به مدد پیشرفت گوشی های اندروید و احساس لزوم داشتن یکی از آنها در دست هر فرد، تمام جامعه به پاپاراتزی هایی تبدیل شده اند که گویا موظفند از همه اتفاقات اطرافشان فیلم و عکس تهیه کرده و ارسال کنند. تا پیش از این، نظریه پردازان معتقد بودند که «رسانه همان پیام است»، اما در حال حاضر این عبارت تغییر کرده «پیام همان رسانه است»، شکل جدید این عبارت است. این به آن معناست که پیام دیگر منتظر رسانه نمی ماند، راه خود را پیدا می کند و از هر رسانه ای خود را به سماع و نظر مخاطب هدف می رساند؛ امروز شبکه های اجتماعی این روند را دنبال می کنند به طوری که نگارش یک کنش یا توییت می تواند موضوعی دنباله دار با حاشیه های فراوان را باعث شود.

پلیس از این قاعده مستثنا نبوده و انتشار هر کدام از اقدامات این قوه قهریه می تواند واکنش های مثبت یا منفی ای را در فضای مجازی به همراه داشته باشد. همین جاست که میزان اهمیت و تأثیر گذاری فضای سایبر بیشتر خودنمایی می کند. مصاحبه یک فرمانده پلیس و واکنش های آن در فضای مجازی نشان از شناخت یا عدم شناخت پلیس از رسانه است.

بدیهی است که در هر مأموریتی که پلیس برای آن اعزام می شود، بر خوردهای قهری صورت بگیرد، اما دوربین ها تنها بخشی از آن را ثبت می کنند و در نهایت این پلیس است که با انتشار فیلم ها و تصاویر، مورد قضاوت قرار خواهد گرفت و در اکثر مواقع نیز از این فیلم ها علیه پلیس استفاده می شود. گرچه ممکن است اعمال انسان دوستانه و صمیمانه مأموران پلیس نیز گاهی توسط دوربین ها شکار شوند، اما متأسفانه در حال حاضر بیشتر فعالان فضای مجازی کمر به انتقادات تند و بعضاً دور از واقع علیه مأموران ناجا بسته اند و این همان چیزی است که از آن به عنوان تخریب چهره پلیس در فضای مجازی یاد می شود؛ تخریبی که بعضاً موجب نادیده انگاشته شدن دیگر مأموریت های پلیس شده که در آن پلیس نه تنها صحیح و دقیق عمل کرده، بلکه موجب نجات دادن جان عده زیادی از مردم شده است.

متأسفانه در حال حاضر، در شبکه های اجتماعی جای دیو و دلبر را عوض می کنند. انتشار مطالب در این فضا به گونه ای است که متخلفان و مجرمان را افرادی پاک، سالم و مظلوم واقع شده نمایش می دهند و از آنان دلبری بری گونه می سازند که حالا گیر نامردمانی به نام پلیس افتاده اند و در مقابل، مأموران پلیس را دیو هایی معرفی می کنند که کمک به فرار کردن متخلفان از چنگ انسان، امری ضروری و محترم است. پلیس در ذخیانه ای است که به جان مردم افتاده و در مقابل متخلف ومجرم، فردی است که مورد ظلم پلیس قرار گرفته است. فضای مجازی فضایی است که تنها نام مجازی دارد، اما این روزها تبدیل به فضایی واقعی تر از واقعی شده تا جایی که با یک توییت با انتشار یک فیلم ناقص از صحنه درگیری مهندسی شده ای، اکثر مقامات اجتماعی، سیاسی و حتی فرمانده پلیس نیز آن را مدنظر قرار داده و واکنش نشان می دهند. این در حالی است که انتظار می رود حداقل فرماندهان و مسئولان پلیس با مذاقه بیشتری نسبت به موضوعات واکنش نشان دهند. در فضای مجازی جای شهید و جلا بداندک تحریفی در واقعیت و کوچک ترین تغییر در کلمات عوض می شود.

در کارگاه های روزنامه نگاری مثل معروفی وجود دارد که می گوید اخبار در فضای مجازی به این صورت نمایش داده می شود که «یک مار شجاع یک ماهی گرفتار در آب را نجات داد». البته اساساً شکل انتشار در فضای مجازی برای ایجاد جنابیت و جذب مخاطب، صورتی غلو شده دارد، اما این غلو گاه تا جایی پیش می رود که به دروغ و انتشار اخبار کذب، طعنه می زند، در حال حاضر متأسفانه چهره پلیس نیز دستخوش این موضوع شده و مردم نیز با سطحی نگری به این قضاوت ها دامن می یزند. البته بعضاً پلیس نیز با تصمیمات نسنجیده و غیر کارشناسی زمینه تولیدات رسانه ای علیه خود را فراهم می کند، اما در هر صورت می طلبد تا مردم و کاربران فضای مجازی به طور اعم و شبکه های اجتماعی به صورت اخص، سطح سواد رسانه ای خود را افزایش دهند و بازیچه دست فعالان فضای مجازی که بعضاً سرخ آنها نیز به معاندان می رسد، نشوند.

خلاصه کلام اینکه پلیس با وجود گستردگی و تنوع مأموریت هایی که دارد و مأموریت هایی که هر روز به آن اضافه می شود، بحران های زیادی را می بینید و از سر می گذراند و انصاف نیست که با انتشار یک متن، کلیپ، تصویر و... تمام زحمات آنها را نادیده انگاشت، چرا که در این صورت باید تمام خون های که در راه حفظ و ارتقای امنیت ریخته شده را نیز ندید گرفت و به راحتی با انتشار و ارسال حداکثری یک نقض در بدنه کلی پلیس، آن را با پامال کرد. در فضای مجازی جای دیو و دلبر را عوض نکنیم.

***رئیس اداره مطالعات اجتماعی فرمانده انتظامی تهران بزرگ**

شکار چی مردان سالخورده دوباره به دام پلیس افتاد



فوت شده و به تنهایی زندگی می کنم، به هر حال من روزهای بعد هم سهیلارا در پارک ملاقات کردم تا اینکه یک روز او را به خانام دعوت کردم. وقتی وارد خانه شدیم، او به آشپز خانه رفت و که زنی میانسال کنارم نشست. این زن گفت که ۵۰ سال سن دارد و خودش را سهیلا معرفی کرد. او گفت زنی تنهاست و شروع به درد دل کرد. من هم برایش توضیح دادم که چند سال قبل همسر

زن میانسال با پرسه در پارک های شهر خود را به مردان سالخورده نزدیک می کرد و پس از ریختن طرح دوستی وارد خانه هایشان می شدو با مسوم کردن آنها، اموالشان را سرقت می کرد.

به گزارش خبرنگار ما، بسیاری از پرونده های مطرح شده در اداره های پلیس به علت بی توجهی شهروندان و اعتماد بی جای آنها به افراد ناشناس است. سرانجام بسیاری از این اعتماد های بی جا هم به از دست رفتن سرمایه و گاهی جان افراد منجر می شود. یکی از این پرونده ها ساعت ۱۳ روز پنج شنبه ۲۷ تیرماه امسال در کلانتری ۱۲۷ نارمک تشکیل شد. شاکی مردی ۶۸ ساله بود که گفت در دام زنی فریبکار گرفتار شده است. بعد از انجام تحقیقات مقدماتی، پرونده به دستور قاضی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران فرستاده شده و شاکی جزئیات بیشتری از ماجرا را شرح داد. او گفت که حدود یک ماه قبل در پارک شقایق روی نیمکت نشسته بودم که زنی میانسال کنارم نشست. این زن گفت که ۵۰ سال سن دارد و خودش را سهیلا معرفی کرد. او گفت زنی تنهاست و شروع به درد دل کرد. من هم برایش توضیح دادم که چند سال قبل همسر

قمار باز، قتل پدرش را انکار کرد

بوی نامطوبع آن شدید، به همین خاطر غذا را کامل نخوردم. بعد از آن هر سه حالمان بد شد و وقتی به بیمارستان رقتیم من و سپرم خوب شدیم، اما امیر فوت کرد.»

بعد از ایدن اظهارات مأموران در بررسی دوربین های مدار بسته مغازه در یافتند که دوربین ها به طرز مرموزی آن ساعت از حادثه خاموش بوده است. بااین فرضیه پسر امیر به نام افشین تحت بازجویی قرار گرفت و سرانجام در روند بازجویی ها به قتل پدرش اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «سال ها با پدرم در فروشگاه لوازم خانگی مشغول کار بودیم تا اینکه دچار مشکلات مالی شدم. ۴۰۰ میلیون تومان بدهکاری داشتم که نیمی از آن را در معاملات لوازم خانگی بدهکار بودم و مقداری را هم در بازی قمار بخته بودم. این شرایط خیلی مرا اذیت می کرد تا اینکه تصمیم گرفتم خودکشی کنم، به همین خاطر به خیابان ناصر خسرو رفتم و سیاتور خریدم. او ادامه داد: «روز حادثه قصد داشتم با سیاتور خودکشی کنم، اما به فکرم رسید با مرگ پدرم می توانم اموال او را تصاحب کنم. این شد که هنگام گرم کردم غذا سیاتور را در آن ریختم، اما خودم به بهانه دندان در غذا نخوردم و غذا نخورد. لحظه خوردن غذا متوجه

شدم، به همین خاطر پدرش را بصرای تصاحب اموالش به قتل رسانده بود، پس از وضایت اولیای دم، جومش را انکار کرد. به گزارش خبرنگار مسا، بی توجهی والدین و ساختارهای آموزشی جامعه نسبت به تربیت فرزندان می تواند به آسیب های اجتماعی منجر شود و پیامدهای ناگوار ی را به همراه داشته باشد. در یکی از این پرونده ها که روز گذشته از جنبه عمومی جرم بررسی شد، مردی که از یک سال قبل به اتهام قتل پدرش در بازداشت به سر می برد، ماجرا را شرح داد. این حادثه ۲۱ مرداد سال ۹۷ با مرگ مشکوک مرد میانسالی به نام امیر در یکی از بیمارستان های شهر به جریان افتاد. مأموران پلیس آگاهی تهران بعد از اعلام این خبر راهی محل و با چندامیر ۴۵ساله رویه و شدند که بر اثر مسمومیت با سیاتور فوت کرده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی دوست او به نام حبیب گفت: «من و امیر در یک مغازه لوازم خانگی در خیابان بهار شریک هستیم. آن روز هر دو با پسرانمان در مغازه نشستیم بودیم تا اینکه وقت ناهار غذاها را گرم کردیم و با هم غذا خوردیم، اما پسر امیر دندان در غذا داشت و غذا نخورد. لحظه خوردن غذا متوجه



انکار قتل همسر صیغه ای

مردی که متهم است همسر صیغه ای اش را در شهرستان آمل به قتل رسانده در پایتخت بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، دوم تیرماه امسال مأموران پلیس شهرستان آمل از مرگ مشکوک زن جوانی در اتاق سربادری یک شرکت موتورساز یخابر و در محل حاضر شدند. بررسی ها حکایت از آن داشت که زن ۴۰ ساله در حالی که آثار ضرب و جرح روی نقاط مختلف بدنش دیده می شد، به طرز مشکوکی فوت شده است. همسایه ها گفتند که ساعتی قبل وحید، شوهر صیغه ای اش را دیده اند که سوار بر خودروی وانت پرایدش محل را ترک کرده است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، وحید به عنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت. وقتی مأموران پلیس راهی خانه وحید شدند، دریافتند که وی به محل نامعلومی گریخته است. بررسی ها در این باره جریان داشت تا اینکه او دو روز قبل سوار بر خودروی وانت پرایدش در میدان شوش تهران شناسایی و بازداشت شد. متهم روز گذشته به دادسرای امور جنایی منتقل شد و مورد تحقیق قرار گرفت. او اتهام قتل همسر صیغه ای اش را انکار کرد و گفت: «من گناهان یک شرکت موتورساز ی در شهرستان آمل هستم. همچنین در کار خرید و فروش جوجه هم مشغولم و جوجه ها را از آمل به تهران منتقل می کنم و به دست مشتریان می رسانم. متهم ادامه داد: روز حادثه وقتی وارد اتاق سربادری شرکت شدم، دیدم که همسرم روی زمین افتاده است. اول به او تنفس مصنوعی دادم و بعد با اورژانس تماس گرفتم. وقتی امدادگران آن راه رسیدند، من سوار ماشینم شدم و به طرف تهران حرکت کردم تا طلب ۷ میلیونی ام را وصول کنم.

متهم گفت: البته قبل از حرکت پدرزنم را هم از ماجرا باخبر کردم تا اینکه مأموران پلیس من را بازداشت کردند. متهم به دستور قاضی در اختیار کارآگاهان پلیس شهرستان آمل قرار گرفت.

بازداشت سارق باشلیک گلوله

مجرم سابقه دار هنگام فرار از دست پلیس با شلیک گلوله بازداشت شد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ اکبر مرادی رئیس کلانتری ۱۴۱ شهرک گلستان توضیح داد: ساعت پنج صبح روز گذشته مأموران کلانتری ۱۴۱ شهرک گلستان هنگام گشت زنی در بلوار امیرکبیر متوجه شدند، راننده سواری پراید از خودروی خود پیاده شد و مشغول باز کردن در یک پراید دیگر شد. بعد از آن بود که مأموران متوجه شدند وی سارق است، بنابراین برای بازداشت متهم، وارد عمل شدند. متهم که متوجه حضور مأموران شد، خیلی زود خودش را پشت فرمان سواری پرایدش رساند و از محل متواری شد. انجام بود که عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد. در حالی که متهم بدون توجه به هشدار پلیس به مسیرش ادامه می داد، مأموران با به کارگیری قانون استفاده از سلاح اقدام به تیراندازی کردند و چهار چرخ خودرو را هدف قرار دادند. همزمان با پاشیدن چهار لاستیک خودرو حوالی شهرک قدس خودرو متوقف و متهم ۲۷ ساله بازداشت شد. مأموران پلیس در بازرسی از خودروی وی مقدار زیادی لوازم سرقتی از جمله کیف های زنانه کشف کردند. در بررسی سوابق وی هم مشخص شد که متهم از مجرمان سابقه دار است. وی گفت: تحقیقات برای شناسایی جرائم متهم در جریان است.



خواب معنادان پارک لاله آشفته شد

رئیس کلانتری ۱۴۸ انقلاب از جمع آوری معنادان متجاهر در پارک

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ پیمان لطیفی توضیح داد: مأموران این کلانتری ساعت ۵ صبح دیروز راهی پارک لاله شده و اقدام به پاکسازی محل از وجود معنادان متجاهر کردند. وی ادامه داد: همه افراد نیمکت خواب پار کها معناد نیستند بلکه بسیاری از آنها افراد شهرستانی هستند که جایی برای خواب ندارند و شب را روی نیمکت های پارک به صبح می رسانند.

نیمی از تصادف های فوتی عابران در بزرگراه است

رئیس اداره تصادفات پلییس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ اعلام کرد که حدود نیمی از تصادف های فوتی عابران پیاده در بزرگراه ها اتفاق می افتد.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ احسان مؤمنی توضیح داد: با توجه به ضرب و سیال نقلیه در محورهای بزرگراهی بیشتر عابران به علت شدت ترافیک در صحنه حادثه فوت می کنند. وی گفت: بیشتر این سوانح مرگبار در ساعات ۲۰ الی ۲۴ اتفاق افتاده است. ۱۵ درصد این تصادف ها هم مربوط به افرادی است که در سطح معابر مشغول فعالیت و خدمت رسانی هستند. سرهنگ مؤمنی برای کاهش این حوادث توصیه کرد:

- عابران پیاده از توقف و ایستادن در محوره های بزرگراهی خودداری و در صورت عبور از عرض بزرگراه از پل های هوایی استفاده کنند. در ساعات شب از محل هایی که دارای روشنایی کافی است، عبور کنند و همچنین از لباس روشن به جهت بهتر دیده شدن توسط وسایل نقلیه استفاده کنند
- رانندگان عزیز همیشه با سرعت مطمئنه در سطح معابر حرکت کنند. سرعتی که در صورت وقوع خطر بتوانند به راحتی وسیله نقلیه خود را کنترل و از وقوع حادثه جلوگیری کنند.
- پیمانکاران و افرادی که در سطح معابر بزرگراهی فعالیت و خدمات رسانی می کنند در فاصله مناسب از علامت هشدار دهنده به جهت آگاهی رانندگان استفاده کنند. کارگران لباس و جلیقه شبرنگ بپوشند و نظافت معابر بزرگراهی توسط ماشین های جاروب (به صورت مکانیزه) صورت گیرد.

بازداشت سارقان ۵ کیلو طلا پس از ۵ سال

سه سارق نقایدار که هشت سال قبل اقدام به سرقت ۵ کیلوطلا در تهران کرده بودند در کرج بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، سال ۹۲ بود که مأموران پلیس تهران از سرقت طلای در یکی از محله های شهر باخبر شده و در محل حاضر شدند. شاکی گفت من طلافروش دوره گر هستم و لحظاتی قبل با خودرو وارد پارکینگ خانه ام شدم. در حال پیاده شدن از ماشینم بودم که ناگهان سه مرد نقابدار حمله کردند و ساک حاوی ۵ کیلوطلایم را سرقت کردند و گریختند. بعد از آن بود که پرونده به دستور قاضی احمدزاده، باز پرس شعبه سوم دادسرای ویژه سرقت در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. در حالی که تحقیقات در این باره با بن بست مواجه شده بود، مأموران پلیس کرج موفق به بازداشت چند سارق شدند. یکی از آنها در بازجویی ها اعتراف کرد که پنج سال قبل از طلافروشی دوره گرد ۵ کیلوطلا سرقت کرده اند. تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

سارقان گوشی در بازار تجریش دستگیر شدند

دو سارق سابقه دار که اقدام به سرقت گوشی های تلفن همراه در بازار تجریش می کردند، بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ مجتبی سهرابی منش رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش گفت: از مدتی قبل سرقت گوشی های تلفن همراه در بازار تجریش به مأموران کلانتری گزارش شد. بعد از آن بود که مأموران پلیس دست به تحقیق زدند تا اینکه روز گذشته به دو مرد جوان که سوار بر موتورسیکلت هوندای پلاک مخدوش مشغول پرسر زنی حوالی بازار تجریش بودند، مظنون شده و به آنها فرمان ایست دادند، اما آنها بدون توجه به فرمان پلیس اقدام به فرار کردند تا اینکه در جریان تعقیب و گریز ۱۰ دقیقه ای بازداشت شدند. مأموران در بازرسی از متهمان دو قهقه و دو گوشی سرقتی کشف کردند. در اولین بررسی ها مشخص شد که دو متهم از مجرمان سابقه دار هستند و در بازجویی ها به سرقت های سرپالی گوشی تلفن همراه در بازار تجریش اعتراف کردند. متهمان که هر دو به مصرف شیشه و هروئین اعتیاد دارند در بازجویی ها اعتراف کردند که در شلوغی بازار از مردم سرقت می کردند. وی گفت: تحقیقات برای شناسایی جرائم بیشتر متهمان در جریان است.

شوخی بی مورد جان مرد جوان را گرفت

شوخی دو مورد جوان در یکی از محله های شهرستان سراب در استان آذربایجان شرقی به قیمت جان یکی از آنها تمام شد.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ توحید فارسی فرمانده انتظامی سراب گفت: این حادثه دو روز قبل در پاساژ امام رضا(ع) اتفاق افتاد و بررسی های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد که دو مرد جوان مشغول شوخی کردن بودند که یکی از آنها دیگری را هل داده و پس از برخورد با شیشه مغازه، تکه بزرگ شیشه به گردش بر خورد کرده و به علت شدت جراحت فوت می کند. سرهنگ فارسی گفت: تحقیقات در این باره جریان دارد.